



منجك

سال شانزدهم / شماره ۸۵ / مهرماه ۱۴۰۴





حکومت آینده‌ی حضرت مهدی موعود
ارواحنا فداه، يك حکومت مردمی به تمام
معناست... امام زمان علیه السلام، تنها دنیا را پر از عدل و داد
نمی‌کند، امام زمان علیه السلام از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که
بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و يك حکومت
صددردم مردمی تشکیل می‌دهد.

دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان
در مصلاي تهران ۱۳۸۱/۷/۳۰



ماهنامه منجهاد | مهر ۱۴۰۴ | شماره ۸۵

صاحب امتیاز: بنیاد و مؤسسه فرهنگی
حضرت مهدی موعود (عج) فارس
مدیرمسئول: استاد حاج شیخ علیرضا حدائق
سر دبیر: حجت الاسلام محمدحسین حدائق
هیأت تحریریه: خانم نادری و آقای غیبی

شیراز، خیابان زند، کوچه ۴۴ (مهدیه)، مجتمع
فرهنگی آموزشی مهدویت، بنیاد و مؤسسه
فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) فارس



بنیاد حضرت مهدی موعود (عج)



مؤسسه فرهنگی و آموزشی حضرت مهدی موعود (عج) فارس

از علاقه مندان به مطالب مهدوی دعوت به
عمل می آید جهت استفاده از مطالب متنوع
مهدوی به سایت www.bonyademahdi.com
مراجعه نمائید.

شماره تماس: ۰۷۱-۳۲۳۰۲۳۱۵

فهرست مطالب

سخن سردبیر ۴

فریاد ۷

در محضر شهدا ۹

دقایقی پای خاطرات استاد ۱۵

دعا ۱۸

رسانه ۲۱

آمادگی ۲۴

نسل کشی آشکار ۲۹

اندکی درنگ ۳۵

باستانگرایی ۴۲

دینداری ۴۶

تلنگر ۵۱

گزارش تصویری ۵۴

سخن سردبیر

یکی از علائم و نشانه‌های دوستی با اهل بیت (علیهم‌السلام) امانتداری است. قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِشِيعَتِهِ عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِي الْحُسَيْنِ بَنِي عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِيْتَمَنَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأَدَيْتُهُ إِلَيْهِ^۱

امام زین العابدین (علیه‌السلام) به شیعیانشان فرمودند: امانت را برگردانید، قسم به آن کس که محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به حق، به نبوت مبعوث گردانید، اگر قاتل پدرم حسین بن علی (علیه‌السلام) به من اعتماد کند و شمشیری را که با آن، پدرم را به شهادت رساند، به من امانت دهد، آن را به او باز می‌گردانم.

امام عسکری (علیه‌السلام) نیز به شیعیان خود سفارش به ادای امانت کرده و می‌فرمایند: ... وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ اِئْتَمَنَكُم مِّنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ^۲ ادای امانت، به کسی که امانتی به شما سپرده است، خواه صاحب امانت، انسانی نیکوکار باشد یا تبهکار.

یکی از معیار و ملاک‌های علاقه‌ی یک شیعه نسبت به امام خود، امانتداری نسبت به کسی است که به او اعتماد کرده است.

شیعه و مُحب واقعی امام زمان (علیه‌السلام) کسی است که نسبت به حقوق مردم و اماناتی که در نزد اوست، اهل مراقبت و دقت باشد. اگر امانتی نزد ماست، می‌بایست نسبت به آن امانت، مراقبت کرده و

آن را به صاحبش بازگردانیم.

امانات، دو دسته هستند: امانات مادی و امانات معنوی
گاهی اوقات بحث امانتداری که مطرح می‌شود، مسائل مادی به
ذهن انسان خطور می‌کند، درحالی که هر دو قسم امانت (هم
مادی و هم معنوی)، دارای اهمیّت و جایگاه مهمی در زندگی
روزمرّی انسان می‌باشند. دقیقاً باید این گونه گفت که: کسانی
که در مسائل معنوی امانتدار خوبی هستند، در مسائل مادی نیز
امانتداری را به خوبی به جای می‌آورند.

اگر بخواهیم به چند مورد از امانات معنوی اشاره کنیم، باید از:
قرآن، نماز، اهل بیت (علیهم‌السلام)، اسلام، حکومت اسلامی، آبرو و ... نام
ببریم. هم چنین: عُمر، چشم، دست، پا، فرزند، خانواده و...
همگی اماناتی هستند که چند صباحی در اختیار ما گذاشته شده
و وقتی از دنیا رفتیم، بایستی نسبت به چگونگی بهره‌گیری و یا
مراقبت و محافظت از آن‌ها، پاسخگو باشیم.

در هنگامه‌ی حساب و کتاب، سؤال می‌کنند: چند سال عمر خود
را که امانت بود، در چه راهی گذراندی؟ به تو، آبرویی دادیم، آن را
در چه راهی خرج کردی؟ سلامتی و تندرستی ارزانی داشتیم، با این
بدن سالم چه کردی؟... هنر، در مراقبت از امانات معنوی است.

اگر کسی در امانتداری از امانات معنوی، سربلند بیرون بیايد، در امانتداری از مسائل مادی نیز موفق و پیروز است. حقوق و اموال مردم را کسی پایمال می‌کند که به خدا ایمان ندارد، یعنی در حفظ امانات معنوی، مردود شده است. گاهی اوقات، تعصبات بی جا، پوششی بر روی معنویات ما می‌شود و افراط و تفریط می‌کنیم. امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند: نسبت به شمشیری که با آن پدرم شهید شده، خیانت در امانت نمی‌کنم. اما ما نسبت به امانات مردم، چگونه مراقبت کرده و امانتداری می‌کنیم!!؟

- ۱- مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ج ۱، ص ۹۵
۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۹، حدیث ۲ - تحف العقول، ص ۵۱۸، ح ۱۲ - میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۹۱

سلام مولای من! سلام آقای من! می خواهم از جور زمانه بلویم، می خواهم ازفساری که جهان را چون پرده ای فرائزفته، بنویسم. می خواهم از درد مردم مظلوم غره بلویم، از درد زنان و کودکانی که هر روز پیر می شوند، از فریادهای فرو خفته آنان، که مظلومانه فریاد می زنند ولی کسی صدای فریاد آن ها را نمی شنود، آنان که وارثان طور سینینند، آنان که در سرزمین مادری خویش، از حوج زینستن محرومند و راه نفس کشیدن را بر آنان بسته اند، سرزمینی که کودکان و نوجوانانش، سنگ زیر سر می گذارند و با این همه، آینه ها تاب نگاهشان را ندارند، سرزمینی که فرزنداناش، طعم شهادت را خوب می فهمند

و در کودکی بزرگ می شوند، سرزمینی که مادرانش، همیشه چشم به راه

فرزندان خود هستند و فرزندان، چشم به راه مرگ سرخ، سرزمینی که

رنگ آسمانش با غروب های غم انگیز، گره خورده و غربت،

ترجیع بند نگاه های پر رمز و راز مردمان مظلوم آن است،

سرزمینی که سال هاست، پایش در زنجیر است و با هرچه

سم، درگیر. سرزمینی که کودکاناش تمام آیات جهاد را حفظ هستند و

خود، تفسیر راستین آن آیات می باشند.

مولای من! خنده ها، از لب ها گرفته شده و کوچه های امید، در

حسرت یک بهار ماندگار، نلیده. احساس ها در خود



فراخوشی، خاموشی شده چرا که پرچم های رنگارنگِ ترویر، بر فراز ویرانی های تمدن، در
اعتزاز است و دردآورترین دقایقِ عمر جهان، سردرگم از فتنه های شیطان و دست به
گریبانِ نفسِ اماره...

همه به خواب سنگینِ جهل، فرو رفته اند و صدای مظلومان و دل سُلستگان غزه رانمی
شنوند، تنها کورسوی اُمید، نگاهِ پُر مهر شما و دستِ یارنگِ شماست. بیایید و همه جهانیان
را از خواب غفلت بیدار کنید و خیابان های تاریک و ظلمانی را با نور عبودیت، روشن
فرمائید.

بیایید و پایه های کفر و عصیان را در هم شکنید و جهان را، مملو از عدل و امنیت کنید.
بیایید و فریادهای فرو خفته ی مردم غزه را معنا ببخشید و گوش جهان را که از فریادهای
گوش خراش شیاطین کفر و الحاد، کمر شده است، با زخمه ی روح بخش و محبت
آمینتان، نوازش دهید.

ای مردم مظلوم غزه! شما هم صبر پیشه کنید که روز ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و نابودی
غاصبانِ سرزمینِ مادریتان، ان شاء الله نزدیک است.

درود بر شما و دل های پاکتان که به رحمت خداوند ایمان دارید، چرا که خداوند خود
فرموده است: **إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛** بعد از هر سختی آسانی است.



افشای چهره واقعی

بعد از انقلاب، برای مبارزه با اشرار به منطقه سمیرم و پادانای اصفهان اعزام شد. در آن جا متوجه شد که عده‌ای روحانی نما، مردم را منحرف می‌کنند. کمرِ همت، به افشای چهره واقعی آن‌ها بست. لباسِ روحانیت خود را پوشید و برای تبلیغ ارزش‌های انقلاب در بین عشایر، حضور یافت. مردم که می‌دیدند، او پای درد دلشان می‌نشیند و راهنمایی شان می‌کند، پروانه وار، دور شمع وجودِ وی را گرفته و از منحرفین فاصله گرفتند.^۱

لبخند

روز بیست و دوم مهر بود که مصطفی دولا دولا، وارد سنگر شد و از خوشحالی دست هایش را به هم مالید و گفت: حمیدجان! با اجازه تون من امروز میرم. گفتم: آخیش! زودتر برو خیال منو، راحت کن. آخه مگه آزار داشتی؟ همون عقب که بودیم، می‌رفتی.

بعد مرا کمی مشیت و مال داد و دوباره با لحن کاملاً جدی گفت: داداش جون! با اجازه ات دیگه امروز بعد از ظهر، زحمت رو کم می کنم. با تعجب گفتم: خوبه! ولی چرا بعداز ظهر؟ همین الان خودم ردیف می کنم تا بری تهرون!

خندید و گفت: نه داداش! اون جایی که من میرم با اون جایی که منظور تو هست، خیلی فرق داره؟

کمی بعد دوربین را درآوردم که از او عکس بگیرم. هر چه کردم اجازه نداد. گفت: دیگه واسه عکس گرفتن دیر شده، بعداً می تونی ازم عکس بگیری؟ کف سنگر دراز کشیده بودیم. از این که نگذاشته بود ازش عکس بگیرم، اظهار ناراحتی کردم. یک دفعه پرید و صورتم را بوسید و گفت: ناراحت نشو! من امروز بعداز ظهر می خوام برم.

با شادی خاصی دست هایش را به هم مالید و گفت: من امروز، شهید میشم. فکر کردم این هم از همان شوخی های جبهه ای است که برای همدیگر ناز می کردیم که گفت: حمید جون! دیگه از شوخی گذشته، می خوام باهات خداحافظی کنم. حالا هر چی که می گم، خوب گوش کن.

پرسیدم: مگه چیزی یا خبری شده؟

گفت: آره. من امروز بعد از ظهر شهید میشم، چه بخوای، چه نخوای! دست من و تو هم نیست. هر چی خدا بخواد، همونه.

بعد شروع به تعریف خوابی کرد که دیده بود، که یک ساعت بعد نه اون یادش بود نه من، اما قرار بود شهدا به استقبالش بیایند.

بعد از خداحافظی گفت: به خدا قسم مطمئنم در زمان جُون دادنم، امام

زمان  بر بالینم خواهد آمد، به خدا من وقتی بخوام جُون بدم، می خندم. با خنده دستی به صورتش زدم و گفتم: آخه پدرآمرزیده، از کجا معلوم؟ شاید ترکش خمپاره بزنه و صورتت رو لُت و پار کنه. خندید و گفت: حالا صبر کن می بینیم آقا حمید! ... ساعت از ۴ گذشته بود که ناگهان از جا پرید و گفت: زود باش کف سنگر رو گود کنیم تا جا بیشتر بشه و راحت بتونیم نماز بخونیم. هر چه اصرار کردم که دیره و نمیشه، زیر بار نرفت. تجهیزات و اسلحه و وسایل را بیرون ریختیم. بهش گفتم: مصطفی، برو بیل رو از سنگر بغلی بگیر و بیار. رفت و با یک بیل دسته بلند آمد. گفتم: این که نمیشه برو یه دسته کوتاهش رو بگیر بیار. مصطفی چهار زانو جلوی سنگر نشسته بود و با خودش داشت می خندید اون هم در حد قهقهه. به شوخی گفتم: چته کچل؟ داری به من می خندی؟ اصلاً امروز تو دیوونه شدی؟ زود باش برو بیل رو بیار! ولی او هم چنان می خندید. وقتی گفتم: هان تو چت شده؟

محضر
در

با همان خنده‌ی زیبا گفت: چقدر تو عجله داری؟ اصلاً می‌خوای بفهمی امروز چمه؟ عجله نکن، می‌بینی!

بلند شد و به طرف سنگر پستی رفت که یک متر هم بیشتر با ما فاصله نداشت. صدای صحبت کردنش را با بچه‌ها می‌شنیدم. می‌خواستم داد بزنم که زودتر بیا، اما هنوز چیزی نگفته بودم که ناگهان صدای سوت خمپاره‌ای مرا در جایم میخ کوب کرد...

کمی که هوا روشن‌تر شد، پاهای مصطفی را دیدم به حالت دمر روی زمین افتاده بود. سرش از پشت ترکش خورده بود و متلاشی شده بود. مثل گل سرخی که شکفته بود. زبانش باز نمی‌شد. یک دفعه ناخواسته فریاد زدم: مصطفی ... منم حمید ... تو رو خدا یه چیزی بگو. نفس سختی به داخل کشید، خون در گلویش پیچید و با خرخری، فوران کرد. با لبخندی زیبا که بر لبانش نشست، به سوی حق شتافت.

سربند سبز یا حسین شهید که از خونسرخ شده بود، در دستش بود و در آخرین لحظه از میان انگشتانش که ناخودآگاه باز شدند، بر زمین افتاد...^۲

////// مدعی دروغین //////////////////

یکی از کسانی که به جبهه آمده بود، با ادعای دیدار امام زمان علیه السلام همه را سرکار گذاشته بود. قرآن کوچکی هم دستش بود که می‌گفت: آقا داده و فرموده: خودم می‌آیم و یادت می‌دهم...

وقت دعای کمیل بلند می‌شد و به اتاق دیگری می‌رفت و بلند بلند شروع به صحبت می‌کرد: آقا کجا بودید و چرا شمشیر تان خونی است و از این حرف‌ها...

عده ای هم باور می کردند و از او التماس دعا داشتند. پیش روحانی شهید علی اکبر زاده رفته و داستان را گفتم. ایشان گفتند: من خودم از آیت الله مشکینی شنیدم که فرمودند روایت صحیح داریم که هر کس در هر مقامی ادعا کند که من آقا را دیده ام، بدانید می خواهد سر مردم، کلاه بگذارد.

صبح حاج آقا، با آن مدعی صحبت کرد و به او فهماند که اگر ادامه بدهد، تکه بزرگش، گوشش خواهد بود. ساعت ۹ صبح، او فرار را بر قرار ترجیح داد.^۳

کار برای خدا

به شدت از عکس گرفتن، فراری بود و نمی گذاشت سخنرانی هایش را ضبط کنند. قبل از عملیات خیبر که آخرین روزهای حیات ظاهری اش بود، شهید علی بینا یک ضبط صوت کوچک تهیه کرد و پیش محمود رفت و از او خواست که صحبت کند تا صدایش را ضبط کند و برای کسانی که می خواهند دنباله رو ایشان باشد، یادگاری بماند.

محمود عصبانی و ناراحت شد و شروع به گریه کرد. خاک، بر سرش می ریخت و می گفت: خاک بر سر من! من که لیاقت ندارم این سربازان امام زمان (عج) از من الگو بگیرند.

آن قدر فتیله را بالا برد که شهید بینا، از خیر ضبط گذشت.^۴

ایثار

ما وقتی که از مدرسه، به خانه می آمدیم با برادرم قاسم در یک ظرف غذا می خوردیم. روزی برادرم قاسم به مادرم گفت: ظرف غذای منو جدا کن.

آن روز کمی به من برخورد که شاید من، حق او را در غذا خوردن ضایع می کنم. فردای آن روز دوباره مادرم در یک ظرف غذا، به ما غذا داد و شهید

سلیمانی غذا نخورد تا مادر، غذا را نصف کرد و در دو ظرف ریخت. حواسم به شهید سلیمانی بود که بینم چکار می‌کند، او غذای خودش را به دو قسمت کوچک و بزرگ تقسیم کرد، قسمت کوچکتر را خودش خورد و قسمت بزرگتر را به مدرسه آورد تا به بچه‌هایی بدهد که از روستاهای اطراف، به مدرسه می‌آمدند و غذا برای خوردن نداشتند.^۵

- ۱- کتاب جلوه جلال، خاطرات شهید جلال افشار، نویسنده: نوروز اکبری زادگان، صص ۳۴-۳۳، ۵۳-۵۲
- ۲- کتاب دیدم که جانم می‌رود، خاطره شهید مصطفی کاظم زاده نویسنده و راوی: حمید داود آبادی؛ صص ۲۰۴، ۲۰۹-۲۰۷، ۲۲۳، و ۲۲۵-۲۲۷
- ۳- کتاب رندان جرعه نوش، خاطرات حمید شفیعی، نویسنده و راوی: حمید شفیعی، صص ۶۲ تا ۶۴.
- ۴- کتاب گردان نیلوفر، خاطرات شهید محمود پایدار، راوی: جواد انصاری فر هم‌رزم شهید، نوشته: محمد رضا عارفی، صص ۵۱ و ۹۱
- ۵- خاطره از نماینده ولی فقیه در استان کرمان حجت‌الاسلام والمسلمین حسن علی‌دادی سلیمانی به نقل از برادر بزرگ سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

محضر
در

سلیقه مردم

آقای به یکی از دوستان مُبَلِّغ، نصیحت می‌کرد که امشب عده‌ای از کبوتربازان، پای منبر شما هستند، طوری صحبت کن که از شما دل زده و ناراضی نشوند. مثلاً بگو آب و دانه دادن به حیوانات، چقدر ثواب دارد، امام رضا علیه السلام چقدر کبوتر دارد، پرنده‌ها چقدر خوب هستند.... ایشان در جواب گفت: اگر بنا بود عالمان دین، طبق سلیقه مردم، حرف بزنند که تاکنون اثری از دین باقی نمانده بود.

صلوات نجات بخش

اواخر حکومت شاه بود. عده‌ای از کارمندان را از روی اکراه، در یک راهپیمایی بنام حمایت از قانون اساسی، ساماندهی کردند. در میان آنان پهلوانی ورزیده بود که احساس کرد در به هم زدن راهپیمایی، می‌تواند نقش داشته باشد. او گرچه انقلابی نبود اما اعتقاد مذهبی داشت. کم‌کم بر اجتماع مردم افزوده شد، محل اجتماع، سالن استادیوم شیروودی بود، سکوت همه جا را فرا گرفته بود که ناگهان

دقایقه پای
خاطرات استاد



فریادِ بلندی از حلقوم این پهلوان، بیرون جهید که بر علی و آل علی صلوات، مردم صلوات فرستادند. جَو شکسته شد و صلوات اوّل، صلوات های بعدی را به همراه داشت. کار به جایی رسید که رژیم، از راه اندازی آن راهپیمایی، منصرف شد.

انقلاب به پیروزی رسید و چند سال بعد از انقلاب، این پهلوان از دنیا رفت. یکی از دوستان او را در خواب دید و از او پرسید: از عالم قبر چه خبر؟ در جواب گفت: همان صلوات، مرا نجات داد.

واجبات

در یکی از کوچه های کاشان دو تا خانم به هم رسیدند، یکی از آن ها به دیگری گفت: من تمام واجباتِ دخترم را درست کرده ام.

عالمی از آن جا می گذشت، پیش خود گفت: من که این همه درس دین خوانده ام، نتواسته ام تاکنون واجباتم را درست کنم، این خانم چگونه موفق شده است؟

در این هنگام شنید آن زن، به دیگری می گوید: برایش لحاف دوخته ام، سرویس چینی خریده ام و....

مرد عالم گفت: حالا فهمیدم منظور از واجبات چیست؟

کتاب

دانشمندی کتابی نوشته است به نام «پنج دقیقه های قبل از غذا» دلیلش این بود که وقتی می خواست غذا بخورد، تا آوردن غذا دقایقی طول می کشید، او از این فرصت استفاده کرده و به مطالعه پرداخته و نکات جذّاب کتاب های مفید را استخراج نمود و مجموعه ای تحت عنوان پنج دقیقه های قبل از غذا، منتشر کرد.

کتاب کامل |

شخصی از یکی از علمای بزرگ پرسید: می‌خواهم کتابی که هیچ عیب و ایرادی نداشته باشد بخوانم؟ گفت: قرآن بخوان.

تلف کردن عمر |

یکی از علمای بزرگ، پس از ساعت‌ها درس و بحث، به منزل می‌آید، سفره غذا پهن می‌شود، عالم فرزانه می‌بیند که چند دقیقه‌ای تا آمدن غذا فرصت هست، کنار سفره، به نماز می‌ایستد. خانم می‌پرسد: آقا مگر نماز نخوانده اید؟ می‌فرمایند: چرا نماز خوانده ام، اما می‌ترسم روز قیامت از این چند دقیقه، سؤال کنند که چرا عمرت تلف شد؟

نمی‌دانم |

از مرحوم علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان، سؤالی کردند. ایشان فرمود: اگر بگویم نمی‌دانم، اشکالی ندارد؟ گفتند: خیر. علامه فرمود: نمی‌دانم.

ابتکار عمل |

روزی یکی از شاگردان، تقریرات و نوشته‌های خود را تقدیم استاد کرد. استاد نوشته‌ها را مطالعه کرده و گفت: درس را خوب نوشته‌ای، ولی دلم می‌خواست یکی دو تا اشکال هم به حرف‌های من، می‌گرفتی تا فکرت باز شود. من هرچه گفته ام تو نوشته‌ای، این دلیل آن است که درس را فهمیده‌ای، اما ابتکار عمل نداری.

کتاب خاطرات، حجت الاسلام قرائتی، با کمی دخل و تصرف

جهان آفرینش بر پایه اسباب و مسببات بنا شده است و پیدایش هر پدیده، مشروط به وجود شرایط و زمینه‌های آن است. طبق آموزه‌های دین مقدس اسلام، دعا یکی از اسباب و زمینه‌های تحقق پدیده ظهور می‌باشد و از عبادت‌های بزرگ الهی است که آثار فراوانی دارد. هرچند دعا و درخواست از حضرت حق، در تسریع امر فرج بسیار مؤثر است، اما آن چه مهم تر می‌باشد، آن است که شیعیان و عاشقان حضرت،

حقیقت انتظار را در زندگی خود ساری و جاری نمایند. بدین معنا که سعی کنند حقیقتاً دستورات اسلام را عمل نموده و با تلاش در تهذیب نفس و خودسازی، لیاقت یاری حضرت را در خود ایجاد کرده و برای امر فرج و پذیرش حرکت عدالت خواهانه حضرت، جامعه را آماده نمایند.

به عبارت دیگر امر ظهور، وابسته به تحقق شرایط و زمینه‌ها بوده و دعا به عنوان یکی از علل تعجیل در فرج مطرح می‌باشد و دعا

دعا

برای سلامتی حضرت نیز از بهترین اقسام دعا است.
امام مهدی علیه السلام می فرمایند: أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛
برای تعجیل در فرج، بسیار دعا کنید که همان، فرج شماست.

مرحوم سید محمد تقی موسوی اصفهانی در کتاب مکیال المکارم، به فوائد دنیوی و اخروی دعا کردن برای فرج آن حضرت پرداخته از جمله می فرماید: دعا برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام اظهار محبت قلبی به ایشان است و چون ائمه طاهرين علیهم السلام ما را امر به دعا برای فرج ایشان کرده اند، نوعی زنده کردن امر ائمه اطهار علیهم السلام محسوب می شود.

یکی دیگر از فواید دعا، گشایش در کار خود ما است و هم چنین دعا موجب نجات از فتنه های آخرالزمان برای انسان است.

فایده دیگر دعا در فرج امام زمان علیه السلام این است که باعث می شود حضرت صاحب الزمان علیه السلام در حق فرد دعا کننده، دعا کند زیرا فرج، خواسته خود ایشان می باشد و هر کس فرج و گشایش در کار ایشان را بخواهد، ایشان هم در حق او، دعا خواهند کرد و شفاعت آن حضرت در قیامت، شامل حال وی می شود.

از آن جایی که حضور حضرت، موجب اعتلای کلمه الله و برپایی تمام فرائض و ایجاد حکومت مستضعفان و نابودی ظالمان و حذف فساد و ظلم از روی زمین و جهانی شدن دین اسلام در پهنه ی گیتی و... می شود، کسی که برای فرج ایشان دعا می کند، به اقامه همه ی این اهداف کمک کرده و به نوعی تعاون و همکاری درکارهای نیک برای رسیدن به نصرت و یاری خداوند و پیروزی بردشمنان داشته است و ثواب کمک به مظلوم را برای او در بردارد...^۲

پس می‌توان گفت: قطعاً با دعای برای تعجیل فرج حضرت، برای خود ما هم فرج حاصل می‌شود یا این دعای ما به اجابت می‌رسد و فرج رقم می‌خورد، که در آن صورت توفیقِ درکِ دولتی را پیدا می‌کنیم که در آن ظلم، اجحاف، تبعیض و... نیست و سراسر عدالت، مساوات، آسایش، امنیت، آرامش و... در آن است که این برای ما فرج است.

یا این که ما دعا می‌کنیم ولی آن فرج اتفاق نمی‌افتد اما دعای امام زمان (عج) بدرقه‌ی راه و زندگی ما می‌شود و دعای حضرت ولی عصر (عج) در زندگی هر کس وارد شود، قطعاً مشکلات او مرتفع خواهد شد.

- ۱- کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹
- ۲- مکیال المکارم، ج ۱، بخش نتایج دعا برای فرج

در شماره‌ی قبل گفتیم مهم‌ترین تلاش رسانه‌های معاند ایجاد از هم گسیختگی خانوادگی است. آن‌ها به صورت کاملاً هدفمند، تلاش می‌کنند با برنامه‌های از قبل طراحی شده، کیان خانواده را از هم بپاشند. لذا لازم است ما هم در مقابله با این ترفند تلاش کنیم از اصل خانواده حفاظت کرده و به دنبال راهکارهایی حول محور خانواده باشیم.

اولین چیزی که به عنوان راهکار ارائه شد، انتخاب مناسب بود که در آن زوجین، طبق شباهت‌های خانوادگی، عاطفی، فرهنگی، عقیدتی، رفتاری با دیدگاه‌های مشترک بر مبنای تشکیل یک خانواده سالم، یکدیگر را انتخاب کنند. اما انتخاب مناسب به تنهایی تضمین کننده یک زندگی خوب نیست بلکه اصول دیگری نیز وجود دارد که لازم است در زندگی از آن‌ها استفاده شود تا به تحکیم خانواده کمک کند.

دومین اصلی که می‌توان بدان اشاره نمود، توجه نمودن است. زوجین در طول زندگی، نسبت به یکدیگر و نیازهای هم، توجه لازم را داشته باشند. انسان به صورت غریزی، دنبال جلب توجه است. بسیاری از مفاسدی که در فضای رسانه‌ای، تبلیغ و ترویج می‌شود، جلوه‌گری و خودنمایشی جهت جلب توجه دیگران است. یک نمونه‌ی آن بلاگرهایی هستند که برای لایک گرفتن از هیچ کاری دریغ نمی‌کنند. گاهی زننده‌ترین رفتار را برای جلب نظر

رسانه

دیگران انجام می‌دهند یا خود را به اشکال مختلف، به نمایش می‌گذارند. گاهی اگر نسبت به روزهای قبل، لایک کمتری گرفته باشند، به شدت نگران می‌شوند و دنبال کنندگان خود را مورد اهانت قرار می‌دهند. به هر حال نیاز به توجه، یک امر غریزی در انسان است که اگر به شکل صحیح و در مسیر درست و سالم صورت نپذیرد، می‌تواند برای او به شدت مُخرب باشد. این مسئله آن قدر اهمیت دارد که گاهی افراد را به بیماری‌های روانی و حتی خودکشی می‌کشاند. لذا توجه زوجین، در وهله اول نسبت به یکدیگر و در وهله بعد نسبت به فرزندان، باید به صورت پر رنگ در خانواده، صورت پذیرد تا افراد محتاج توجه به افراد غیر خانواده نباشند و کانون توجه برای افراد، تنها محور خانواده باشد.

اما به صورت کلی دو نکته در خانواده باید مد نظر قرار گیرد:

اول کشف آن چیزی است که در زندگی باید مورد توجه قرار گیرد. هر انسانی دوست دارد نسبت به یک سری چیزها مورد توجه واقع شود. به عنوان مثال یک مرد دوست دارد با توجه به اقتدارش، در خانواده مورد توجه باشد یا یک زن دوست دارد تغییراتی را در که در ظاهر خود یا منزل ایجاد می‌کند، مورد توجه باشد. این توجه، نشان از محبت و علاقه زوجین نسبت به یکدیگر است و کشف آن از این باب می‌تواند به روند داشتن خانواده‌ای سالم، کمک کند. حال بی توجهی نسبت به هم، در خانواده آهسته آهسته میل افراد را نسبت به هم سرد و محیط خانواده را بی روح می‌نماید.

دوم لازم است به شیوه‌ی توجه، آگاه باشیم. در خانواده لازم است

رساله

توجهات، توأم با ابراز علاقه و محبت و احترام متقابل باشد. آن چیزی که می‌تواند توجه را دلچسب کند و محبت افراد را افزایش دهد و حس فداکاری را در خانواده بالا ببرد، توجه همراه با محبت و احترام است. خانواده‌ای که در آن زوجین نسبت به یکدیگر توجه توأم با محبت و احترام دارند، زندگی را با هر مشکلی که در آن باشد، به سلامتی می‌گذرانند و از طرف دیگر الگوهای مناسبی برای نسل بعد از خود خواهند بود. اما وقتی این فاکتور مهم در رفتار زوجین کم رنگ باشد یا اصلاً وجود نداشته باشد، فرزندان خوبی هم تحویل جامعه نمی‌گردد و فرزندان از داشتن یک دانشگاه خانگی برای رفتن به جامعه، محروم می‌گردند.

البته باید به سه آفت در این زمینه توجه کرد:

اولین آفت: غرور زوجین نسبت به یکدیگر در توجه توأم با محبت و احترام است. گاهی زوجین یا به خاطر شخصیت فکری یا حرف‌هایی که دیگران در گوش آن‌ها فرو می‌کنند، نسبت به هم غرور، به خرج می‌دهند و فکر می‌کنند اگر به هم توجه داشته باشند، موجب طغیان هم می‌شوند و این فکر و عملکرد بسیار خطرناکی است.

دومین آفت: یک طرفه بودن توجه هست. اگر یکی از زوجین، به وظیفه خود عمل کند اما دیگری عمل نکند، این در خانواده مشکل‌زا می‌شود و طرف مقابل را خسته، سرد و زندگیش را بی‌روح می‌کند.

سومین آسیب: افراط و تفریط در توجه است. توجه مثل مطالعه کتاب است که نمی‌تواند فاصله‌ی آن دور باشد و هم چنین نمی‌تواند خیلی نزدیک باشد. توجه باید متعادل و متوازن باشد. اگر توجه باشد اما کم باشد، آن وقت یا احساس نمی‌شود یا بر حسب نیاز، دیده می‌شود. مثل این که دست سرد را یک لحظه مقابل بخاری بگذاریم و برداریم، یعنی تا می‌خواهد دستان گرم شود، به سردی می‌گراید. هم چنین اگر توجه بیش از حد باشد، موجب آزار و خستگی طرف مقابل می‌شود. لذا کشف میزان تعادل و رعایت آن هم یک اصل در این زمینه است که باید مد نظر قرار گیرد. ادامه دارد...

محمدعلی غیبی

رسانه

از دیدگاه شیعه، مسئله مهدویت و نوید ظهورِ مصلح جهانی، یک مسئله ریشه‌دار است که از دیر باز در اسلام مطرح شده و سابقه آن به عصر رسول خدا ﷺ بر می‌گردد. این اندیشه و باور، مورد پذیرش و اعتقاد همه مسلمانان بوده و به عنوان یک حقیقت دینی- اسلامی قلمداد می‌شود. مهدویت در اصطلاح یعنی هرگونه عقیده و رفتار و گفتار و منشی که منتسب به حضرت مهدی ﷺ باشد. به عبارت بهتر، باور به وجودِ حضرت مهدی ﷺ و یقین به وجودِ منجی موعود.

طبق روایات، آن حضرت همانام و هم کنیه پیامبر خدا ﷺ هستند و به فرمان حق قیام خواهند کرد و به همه‌ی ظلم و جور و بی‌عدالتی‌ها، پایان خواهند داد. با ظهور ایشان، هیچ حکومت باطلی روی زمین باقی نخواهد ماند.

آمادگی

عدالت به معنی واقعی کلمه محقق خواهد شد و هر حقی به صاحب حق داده خواهد شد و همگان در رفاه و آسایش زندگی خواهند کرد و در سرتاسر جهان، تنها یک نظام، حکومت خواهد کرد که آن هم نظام عادلانه اسلام و احکام نجات‌بخش آسمانی قرآن کریم است.

بر این اساس فرهنگ مهدویت عبارت می‌شود از: بیان اندیشه، باور، اصول و اعتقادات مربوط به آموزه مهدویت، تبیین ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای آن، تعیین هنجارها و الگوهای رفتاری و کرداری مرتبط با آن و توسعه و بسط مهارت‌های مورد نیاز مانند زمینه‌سازی ظهور، انتظار سازنده، روش‌های یاری مهدی موعود عج و...^۱

پس فرهنگ مهدویت، فرهنگ انتظار بشر برای حاکمیت حق است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^۲

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان، خوش نداشته باشند.

پس مهدویت اندیشه‌ای است ارزشمند، تحرک آفرین، الهام بخش، امید دهنده و تعهد‌آور برای تمام منتظران.

فیلسوف فرانسوی هنری گُربِن، اعتقاد شیعه به مهدویت و تفاوت آن با دیگر موعود گرایی‌ها در مکاتب دیگر را چنین بیان می‌دارد:

به عقیده من، مذهب تشیع، تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق همیشه زنده نگه داشته و به طور مستمر و پیوسته، ولایت را زنده و پا بر جا می‌گذارد. مذهب یهود، نبوت را، که رابطه‌ای است واقعی میان خدا

و عالم انسانی، در حضرت کلیم علیه السلام ختم کرده و پس از آن به نبوت حضرت مسیح علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله اذعان نموده و رابطه مزبور را قطع می‌کند و نیز مسیحیان، در حضرت عیسی علیه السلام متوقف شده و اهل سنت از مسلمانان نیز در حضرت محمد صلی الله علیه و آله توقف نموده و با ختم نبوت در ایشان، دیگر رابطه‌ای میان خالق و خلق، موجود نمی‌دانند. تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد صلی الله علیه و آله ختم شده، می‌داند ولی ولایت را، که همان رابطه هدایت و تکمیل می‌باشد، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌داند، رابطه‌ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الوهی حکایت می‌کند، به واسطه دعوت‌های دینی قبل از موسی علیه السلام و دعوت دینی موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله به واسطه همین رابطه ولایت، جانشین وی (به عقیده شیعه) زنده بوده و هست و خواهد بود و این حقیقتی است زنده، که هرگز نظر علمی، نمی‌تواند آن را از خرافات شمرده و از لیست حقایق حذف نماید.^۳ در اندیشه شهید مطهری درباره مهدویت، نکته بسیار مهمی که درخشش دارد، ضرورت و قطعیت تحقق جامعه مهدوی از منظر حکمت الهی است. از دیدگاه ایشان: مهدویت يك فلسفه بزرگ جهانی است، چون اسلام يك دين جهانی است، چون تشیع به معنای واقعی‌اش يك امر جهانی است. وقتی قرآن می‌فرماید: وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛

و همانا ما پس از تورات، در زبور نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث می‌برند.

صحبت از زمین است، نه صحبت از این منطقه و آن منطقه و این قوم و آن

نژاد.^۵

ایشان در جای دیگر می نویسد:

مهدی موعود^ع مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، حضرت، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا^۶

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده، بر همه ادیان، تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان، ایمنی کامل دهد، [تا جایی که] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند.^۷

خداوند با بیان این آیات، در تلاش است تا توجه بشر، به تمدنی جهانی براساس عدالت، معنویت، امنیت و آینده‌ای امیدبخش با ارائه فرهنگ مهدویت به صورت مدل و سیستم اجرایی در زندگی، جلب شود. امام خمینی^{ره} می‌فرمایند: انتظار فرج، انتظار فرج قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام، در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور، ان‌شاءالله تهیه شود.^۸

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: ما که منتظر امام زمان^ع هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان^ع تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان

جهت بسازیم و بنا کنیم... رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان ع یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است زیرا اُمید و انتظار را به طور دائم در دل انسان، زنده نگه می‌دارد.^۹

ایشان هم چنین می‌فرمایند: ... ما باید خود را برای سربازی امام زمان ع آماده کنیم ... سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن‌بینی دارد... ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان ع خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم، نه، به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت، حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. اعتقاد به امام زمان ع به معنای گوشه‌گیری نیست... امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه‌ی دنیا، ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، این‌ها همان چیزهایی است که امام زمان ع برای مبارزه با آن‌ها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با این‌ها، آماده کنیم.^{۱۰}

- ۶- نور/ ۵۵
- ۷- شهید مطهری، قیام و انقلاب مهدی ع از دیدگاه فلسفه تاریخ، صص ۱۵-۱۴ و ۵۹-۵۱
- ۸- صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۷۴
- ۹- بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲
- ۱۰- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلا‌ی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰

- ۱- کاظم عظیمی، درآمدی بر فرهنگ مهدویت و عناصر آن، نشریه دین و ارتباطات، اسفند ۱۳۸۹، صص ۱۴۱-۱۶۸
- ۲- توبه/ ۳۳
- ۳- شیعه، مذاکرات و مکاتبات پرفسور هانری کربن با علامه طباطبایی، مولف: علامه طباطبایی، ص ۷
- ۴- انبیاء/ ۱۰۵
- ۵- شهید مطهری، مجموعه آثار، کتاب سیری در سیره ائمه اطهار ع، ج ۱۸، ص ۱۸۰

از جمله مهمترین آموزه‌های دین مبین اسلام کمک و یاری رسانی به مظلوم است. در فرهنگ قرآن آیات ارزشمندی وجود دارد که ضرورت و اهمیت یاری مظلوم را به وضوح روشن می‌سازد تا اُمت اسلامی در صورت کم کاری و سستی در یاری مظلومان هیچ گونه عذر و بهانه‌ای نداشته باشند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ**؛ 'و چرا شما در راه خدا [و در راه

نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف، نمی‌جنگید؟

هم چنین در سوره انفال می‌فرماید: **إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ**

نسل کشی آشکار



النَّصْرُ...^۲ اگر گروهی (مومنان مهاجر) به خاطر حفظ دین و آئینشان از شما طلب یاری کنند، بر شما لازم است که به یاری آنان بشتابید. خداوند با صراحت در این آیات شریفه، مسلمانان را مُلزم می نماید تا به یاری برادران دینی خود که مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند، شتافته و به وظیفه دینی خود عمل نمایند. رسول خدا ﷺ می فرماید: وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ^۳ هر کسی فریاد و استغاثه انسانی را بشنود که مسلمانان را به یاری و کمک می طلبد و به یاری او نرود، مسلمان نیست.

در طول تاریخ، جهان، همواره شاهد ظلم و ستم قدرت های استکباری بر ملت های مظلوم و بی دفاع بوده است. امروز با آن که وجدان های بیدار ملل جهان در برابر جنایات وحشیانه اسرائیل در غزه فریاد می زنند اما دولت های غربی نه تنها سکوت کرده، بلکه به حمایت از این رژیم خون آشام و ستمگر ادامه می دهند. این سیاست و حمایت دولت های غربی از اسرائیل نشان می دهد که مفاهیمی چون حقوق بشر و عدالت، تنها وسیله ای برای رسیدن غرب به منافع خود است.

اگر به تاریخ نگاهی بیندازیم، می بینیم که غرب در گذشته نیز ثابت کرده که به نام دموکراسی و آزادی، هزاران نفر را در جنگ های متعدد، از هیروشیما و ناکازاکی گرفته تا حملات بی پایان به کشورهای خاورمیانه، قتل عام کرده و امروز مانند یک کابوس وحشتناک، همان جنایت ها را در غزه، تکرار می کند. جنایات غزه، یک نسل کشی آشکار در تاریخ بشریت است. کودکان، زنان و سالخوردگان و ... هر روز قربانی حملات وحشیانه و بی رحمانه اسرائیل

می‌شوند. بمباران شدید و مستمر این منطقه، خانه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، اماکن عام‌المنفعه و ... را با خاک یکسان نموده است. نوار غزه، تکه‌ای کوچک از خاک فلسطین که امروز، به گورستانی وسیع و جهنمی سوزان تبدیل شده است.

در کنار بارش بی‌امان آتش گلوله، سلاح گرسنگی، فاجعه‌ای است که رژیم صهیونیستی و حامیان غربی او به سرکردگی آمریکا، با محاصره‌ای بی‌سابقه و هدفمند، بر مردم بی‌دفاع این باریکه، تحمیل کرده اند. جنایتی آشکار علیه بشریت، یک نسل‌کشی خاموش که ابعاد آن از جنایات قرون گذشته نیز

فجیع‌تر به نظر می‌رسد. در سایه بی‌تفاوتی و همدستی مجامع بین‌المللی، هزاران نفر از کودکان معصوم گرفته تا مردان و زنان، هر روز در نبردی نابرابر با قحطی، سوءتغذیه و بیماری‌های ناشی از آن، جان می‌دهند.

تصور کنید صحنه‌ای را که مردم، با شکم‌های گرسنه و بدن‌های رنجور، به سمت مراکزی که قرار است اندکی کمک انسانی توزیع شود، هجوم می‌برند. اما رژیم صهیونیستی با وقاحتی بی‌سابقه، نه تنها مانع از ورود کمک‌ها می‌شود، بلکه صفوف گرسنگان را



نسل‌کشی آشکار

با سلاح‌های سبک و سنگین هدف قرار می‌دهد. این یعنی انتخاب میان مرگ با گرسنگی یا مرگ با گلوله. کودکان، زنان و مردانی که از گرسنگی به ستوه

آمده‌اند، در جستجوی لقمه‌ای نان، نه تنها با خطر بمب و موشک، بلکه با آتش مستقیم نظامیان صهیونیست مواجه می‌شوند یا به شهادت می‌رسند و یا در نتیجه سوءتغذیه شدید، به آرامی و دردناک، جان می‌دهند. این اقدام رژیم صهیونیستی، یک سیاست عامدانه برای کشتار جمعی، از طریق گرسنگی است، یک جنایت جنگی تمام‌عیار که مستقیماً کنوانسیون‌های ژنو و قوانین بشردوستانه بین‌المللی را نقض می‌کند. تبدیل مراکز توزیع غذا به کمینگاه مرگ، نشانه‌ای از ددمنشی سیستمی است که هدفی جز نابودی کامل حیات در غزه ندارد. مردم غزه، در شرایطی در گرسنگی مطلق به سر می‌برند که در چند متری پشت مرزها، محموله‌های کمک‌های انسانی در چند قدمی غزه منتظرند، اما رژیم صهیونیستی، مانع از ورود آن‌ها می‌شود. این توقف عمدی ورود کمک‌ها، جنایتی آشکار است که مستقیماً به مرگ ناشی از گرسنگی می‌انجامد.

در پشت این جنایات، سایه سنگین حمایت‌های بی‌دریغ آمریکا از رژیم صهیونیستی دیده می‌شود که با وتوی قطعنامه‌های شورای امنیت، ارسال بی‌وقفه تسلیحات و توجیهات سیاسی و رسانه‌ای، عملاً به شریک جرم و همدست اصلی در این نسل‌کشی تبدیل شده است. سکوت مجامع بین‌المللی، انفعال سازمان ملل و عدم اقدام قاطع از سوی کشورهایی که مدعی حقوق بشر هستند، تنها به رژیم صهیونیستی، جسارت بیشتری برای ادامه این جنایات می‌دهد. این سکوت، خود نوعی همدستی است که بر صفحات تاریخ بشریت، ثبت خواهد شد.

غزه، امروز نه تنها میدان جنگ نظامی، بلکه میدان نبرد اخلاقی و وجدانی

جهان است. آن چه در این باریکه اتفاق می‌افتد، نه تنها نسل‌کشی یک ملت، بلکه آزمونی برای انسانیت جمعی انسان هاست. تا زمانی که این ظلم، آشکار ادامه دارد و عاملان آن، بدون مجازات، به جنایات خود ادامه می‌دهند، ادعاهای جهان درباره حقوق بشر، عدالت و صلح، پوچ و بی‌معنا خواهد بود. لازم است که وجدان‌های خفته، بیدار شده و برای توقف این فاجعه بی‌سابقه از هر ابزاری، از فشار دیپلماتیک تا تحریم‌های همه‌جانبه علیه رژیم صهیونیستی و حامیان‌ش، استفاده کنند.

زمان آن رسیده که جهان اسلام و تمامی آزادگان دنیا، در میدان عمل، در برابر این ظلم اسرائیل و جهان غرب بایستند. اگر امروز در برابر اسرائیل و سیاست‌های مخرب و دوگانه غرب سکوت شود، فردا این آتش به دامن تمام جهان خواهد افتاد.

از این رو اُمت اسلامی با وجود آموزه‌های دینی در صورت سستی در یاری رسانی به مظلومان، هیچ گونه عذر و بهانه‌ای نخواهند داشت. کشورهایی در منطقه که حتی از ابراز تأسف زبانی نیز خودداری کرده‌اند. کشورهای مسلمانی که راه‌های کمک رسانی به این مردم بی‌دفاع را مسدود کرده و با



نسل‌کشی آشکار

غاصبان جهان، هم صدا و هم سو شده‌اند. مردم غزه، امروز در مسیر حقیقی و درست تاریخ قرار گرفته‌اند و تاریخ در

آینده آن‌ها را قضاوت خواهد کرد. آن‌ها امروز یک بار دیگر عاشورا و مظلومیت امام حسین (علیه السلام) را به تصویر کشیده اند و به این ترتیب این مردم، تاریخ را تغییر داده و وجدان‌های خواب مردم دنیا را بیدار کرده‌اند.

بحران غزه فراتر از یک تراژدی انسانی، به آزمونی برای وجدان جهانی تبدیل شده است. سکوت نهادهای بین المللی، سیاست دوگانه کشورهای غربی و بی اثر بودن ساز و کارهای حقوقی، همه نشان می‌دهند که اخلاق در سیاست جهانی، پیش از آن که جهان شمول باشد، تابع قدرت و منافع است. بازاندیشی در نظم جهانی، تنها زمانی ممکن خواهد بود که عدالت نه به عنوان ابزار قدرت، بلکه به عنوان اصل بنیادین روابط انسانی پذیرفته شود. غزه، امروز نیازمند همدلی و اقدام جهانی است تا دیگر شاهد آن نباشیم که جنگ و گرسنگی همزمان با بلیت مرگ، به سمت انسان‌ها بیاید و اطفال گرسنه در هیچ جای جهان مجبور نباشند، در انتخاب میان دو گزینه مرگ یا غذا، مستاصل بمانند.

در این شرایط سخت، وظیفه هر انسان باوجدانی است که از مظلومیت مردم غزه دفاع کرده و صدای این مردم مظلوم را که فریاد عدالت و آزادی در برابر ظلم و ستم اسرائیل است را به جهان انعکاس دهد و ان شاءالله از طریق حمایت از این مردم مظلوم و ستم‌دیده، زمینه را برای ظهور موفورالسرور منجی عالم بشریت، مدافع مظلومان عالم هموار سازد.

۱- نساء/۷۵

۲- انفال/۷۲

۳- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۷۵، باب کِتَابُ الْجِهَادِ وَ سِیْرَةِ الْإِمَامِ (علیه السلام)

رضایت

بعد از اصرار فراوان، مادر به او اجازه داد که می‌تواند به مدینه برود اما از او قول گرفت که نمائند خیلی زود برگردد، چون مادر، بیمار بود و به پرستاری نیاز داشت.

با شتاب به مدینه آمد. اما از قضا، پیامبر خدا ﷺ در آن روز در شهر نبودند. هرچه صبر کرد، رسول خدا ﷺ نیامدند و چون به مادر قول داده بود، بدون این که موفق به دیدار رسول خدا ﷺ شود، آماده‌ی برگشت شد. به مسلمانان گفت: سلام مرا به حضرت برسانید و بگوئید مردی به نام اویس، از یمن به زیارت شما آمده بود و چون از مادرش اجازه توقف بیشتر نداشت، با کمال شرمندگی به وطن خود بازگشت.



بعد از مدتی پیامبر خدا ﷺ به مدینه برگشته و فرمودند: تَفُوحُ رَوَائِحِ الْجَنَّةِ
مِنْ قَبْلِ قَرْنٍ وَآ شَوْقَاهُ إِلَيْكَ يَا أُوَيْسَ الْقَرْنَى وَ مَنْ لَقِيَهُ فَلْيَقْرَأْهُ مِنْ
السَّلَامِ!¹

نسیم بهشتی از سوی قَرْن می‌وزد، آه! چه قدر به دیدار تو مشتاقم، ای
اویس قرنی. ای مسلمانان هر کس او را ملاقات کرد، سلام مرا به او
برساند.

اویس قرنی! با عَمَلِش، قرن‌ها قبل، فریاد برآورد که رضای محبوب و
خدای او، بسی مهم‌تر از دیدار است.

حال من و شما در پی دیدار امام خود هستیم یا رضایت ایشان!!!



ایثار

نمی دانم قصدش چه بود اما خیلی مطمئن حرف می زد: اصحاب ما در کوفه خیلی زیادند و همه هم گوش به فرمان شما.
عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ (ع): إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكُوفَةِ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لَأَطَاعُوكَ وَاتَّبَعُوكَ. فَقَالَ: يَجِيءُ أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ؟
فَقَالَ: لَا.

قَالَ: فَهُمْ بِدِمَائِهِمْ أَبْخَلُ.
ثُمَّ قَالَ: ... إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتْ ...، وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ.



برید عجلی گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردند: همانا اصحاب ما در کوفه جماعت زیادی هستند و اگر آن‌ها را فرمان دهید، حتماً شما را اطاعت کرده و پیروی می‌کنند.

امام علیه السلام فرمودند: یکی از آن‌ها سر جیب برادرش می‌رود تا مبلغی از آن، برای رفع نیازش بردارد؟

گفت: خیر

حضرت فرمودند: پس آن‌ها در باره‌ی خونها بخیل تر هستند. سپس فرمودند: زمانی که قائم علیه السلام قیام کند ... مردی سراغ جیب برادرش می‌رود و نیازش را بر می‌دارد و صاحب مال او را منع نمی‌کند.^۲ ظهور، منتظر این گونه افراد است که زندگی جمعی برآمده از تقوا داشته



باشند، زندگی مبتنی بر فضایل اخلاقی و خداپرستی...

دعا

از همین امروز، به خودمان قول بدهیم که بعد از هر نماز، اوّل برای امام عصر علیه السلام دعا کنیم و بعد برای خود و خانواده هایمان. ما وظیفه داریم که برای امام علیه السلام خود دعا کنیم و دعا برای امام، محدود به دعا برای فرج نمی شود. دعا برای سلامتی امام از گزند دشمنان، حوادث و بلایا، دعا برای استجابت دعای امام، دعا برای شیعیان و دوستان امام و ... از جمله مواردی است که در این زمینه سفارش شده است. از وظایف شیعیان در عصر غیبت امام زمان علیه السلام، دعا برای نزدیکی ظهور و درخواست تعجیل در قیام آن حضرت است. شیعه ی راستین و دلباخته



امام زمان علیه السلام کسی است که در هر صبح و شام و بعد از هر نماز و نیاز، دستِ حاجت به پیشگاه خدای رؤوف دراز کرده و از او ظهور مولایش را طلب کند.

عاشق دلباخته، صبح و شام نمی‌شناسد و در تمام ساعات، منتظر ظهور یار و مشتاق دیدار جمال محبوب است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: **فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً؛**³ باید در هر صبح و شام در انتظار ظهور مولای خود باشید.

و در جای دیگر می‌فرمایند: **وَ تَوَقَّعْ أَمْرَ صَاحِبِكَ لَيْلَكَ وَ نَهَارَكَ؛**⁴ شب و روز منتظر امر (فرج) مولای خود باش.

بنابراین بر همه شیفتگان آن حضرت لازم است دائم به یاد آن امام همام



بوده و برای تعجیل در فرج ایشان دعا کنند، چرا که با آمدن حضرت، تمام مردم جهان، نجات یافته و شیعه به اوج عزت و عظمت خود می‌رسد و دشمنان او به حضيض ذلت، خواهند افتاد.

اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ خَيْرِ اَنْصَارِهِ وَ اَعُوْا نِيْهِ وَ الْمُسْتَشْهَدِيْنَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

- ۱- سفينة البحار، ج ۱، ص ۵۳ - بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۵۵
- ۲- اختصاص، شیخ مفید، مترجم: امیر خانبلوکی، ج ۴۹، صص ۵۴-۵۳-۵۲
- ۳- اصول کافی، ۱/۱۳۳
- ۴- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۵۹



در شماره‌های قبل گفتیم که سلطنت‌طلبان، در تلاش هستند تا مردم را به آیین زرتشت سوق داده و از اعتقاد به دین مبین اسلام جدا کنند. ما سعی کردیم فارغ از این که آیین زرتشت یک دین الهی است یا نه، به تحقیق در باره‌ی آن پردازیم. در تحقیق و بررسی، به یکی از ایرادات جدی بر اعتقادات زرتشتی درباره باور به خدا در این آیین پرداخته و آن را مورد نقد قرار دادیم. البته نقد به این معنا نیست که ما بخواهیم اصالت یک آیین را مورد خدشه قرار دهیم یا تصور شود قصد اهانت به کسانی داشته باشیم که از یک مکتب اعتقادی تبعیت می‌کنند. نقد یک بحث علمی و منطقی است که چشم افراد را نسبت به برخی حقایق باز می‌کند تا در انتخاب عقیده خود اختیار داشته باشند.



باستانگرایی

خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید:
...فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ^۱

پس بندگان مرا بشارت ده! همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آن‌ها خردمندان هستند.

یا در آیات دیگر خداوند متعال می‌فرماید:
إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا^۲

ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس.
به هر حال غرض از نقد، یک وسیله برای درک حقایق آن هاست و الا هر انسان، مُخیر است آنچه را از اعتقاد و عمل که می‌تواند استدلال منطقی نماید، بپذیرد. منتها اگر انتخاب صحیح باشد، مایه نجات انسان و اگر صحیح نباشد، موجب گمراهی و عقوبت اخروی اوست.

اما دیگر نقدی را که می‌توان به آیین زرتشت وارد نمود کتاب اوستا به عنوان منبع اولیه و کتاب آسمانی این مکتب است. اوستا یک مجموعه شامل بخش‌های از جمله یسنا، یشت‌ها، ویسپرد، وندیداد و خرده اوستا است. اما نقدهایی که بر این کتاب کهن، وارد شده است، می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

در گذشته‌ی کهن که مانند زمان حال، صنعت چاپ توسعه نیافته بود، سه مشکل بزرگ بر سر راه مکتوبات بشر وجود داشت:
اولین مشکل، نبود چیزی به نام کاغذ بود که مکتوبات بر آن نوشته شود. آن

زمان بیشتر یا نوشته بر الواح سنگی یا پوست حیوانات، نگاشته می‌شد و این عمل به علت سختی کار، به صورت محدود انجام می‌گرفت. دومین مشکلی که در این زمینه وجود داشت، تکثیر آن چه نوشته شده بود، است، که معمولاً با حفظ نوشته، صورت می‌گرفته و تکثیر آن به عنوان آن چه امروز ما شاهدش هستیم، وجود نداشته است. سومین مشکل، حفظ آثاری بوده که به مرور زمان به هر علتی در ورطه نابودی قرار می‌گرفته است.

حال می‌خواهیم به کتاب اوستا که یک متن کهن است، نگاهی داشته باشیم: اولین مشکلی که ما با آن مواجه هستیم عدم حفظ اصل اوستایی است که در زمان هخامنشیان نوشته شده بود، است. به گواه تاریخ پس از حمله اسکندر مقدونی به ایران، یکی از چیزهایی که از بین رفت، کتاب اوستایی بود که بر روی پوست نوشته شده بود و به حالت محدودی در اختیار مغ‌ها و موبدان قرار داشت.

پس از آن، آن‌ها به محفوظات خود اکتفا کرده و قریب به ۵۵۰ سال از حمله اسکندر مقدونی تا تشکیل حکومت ساسانی که در نوع خود یک حکومت دینی با رسمیت آیین زرتشت بود، کتاب اوستا وجود نداشت. پس از تأسیس حکومت ساسانی توسط اردشیر بابکان به دستور وی عملیات بازیابی و نگارش اوستا توسط موبدان، در دستور کار قرار گرفت. آن‌ها تلاش کردند اوستا را بر مبنای محفوظات خود نگارش کنند. حال آن که پس گذشت قرن‌ها و تنها با تکیه بر محفوظات ذهنی و انتقال سینه به سینه، آن چیزی که در زمان هخامنشیان بود، شکل نگرفت.

اوستای زمان هخامنشیان دارای ۲۱ نسک بوده که مجموعاً ۸۱۵ بخش را شامل می‌شده است اما اوستا زمان ساسانی که آن هم دارای ۲۱ نسک بوده، مجموعاً ۳۴۸ فصل را در بر می‌گرفته که آن هم به لحاظ محتوا به گونه‌ای بود که چون محفوظات را با تمامی علوم آن زمان در هم آمیخته بودند، تبدیل به چیز دیگری شده بود.

لذا اولین ایرادی که به وثاقت اوستا وارد است و آن را خدشه دار می‌کند، حذف آن در برهه‌ی حدود شش قرن و باز نگارش آن با مشکلات خاص خودش می‌باشد.
ادامه دارد.

محمدعلی غیبی

۱- زمر ۱۷-۱۸

۲- انسان/۳

بهترین راه برای رسیدن به وصالش این است که کاری که او بسیار دوست می‌دارد را انجام دهیم. سید باقر در حالی که در فکر فرو رفته بود به دنبال کاری می‌گشت که او از همه کارها بیشتر دوست داشته باشد: نماز اول وقت؟! رسیدگی به فقرا و احسان به خلق خدا؟! رفتن به خانه خدا؟! و ... درمانده بود، می‌دانست که همه این کارها ایشان را خوشحال می‌کند ولی دلش گواهی می‌داد باید کار دیگری انجام دهد، کاری که در کنار این خوبی‌ها نتیجه دهد.

از پشت میز مطالعه بلند شد و به طرف باغچه کنار حیاط رفت. به آرامی در حالی که فکرش هنوز مشغول بود، روی بلوک سیمانی که پدرش برای پایه شیلنگ آب پاشی در کنار باغچه گذاشته بود، نشست. ناگهان فکری مثل جرقه، به ذهنش خورد و با خودش گفت: یادم آمد زیارت عاشورا و اشک بر امام حسین (علیه السلام) این کار را امام زمان (علیه السلام) بسیار دوست می‌دارند و حتماً عنایت می‌کنند. از این جمعه تا چهل جمعه هر هفته به یکی از مساجد شهر می‌روم و با خواندن زیارت عاشورا، دل حضرت را به دست آورده و نگاهی از آن چهره دلربا، طلب می‌کنم. اما از کجا معلوم که واقعاً این بهترین عمل باشد؟!!!

دیندار

باز هم به فکر فرو رفت اما لحظه ای نگذشت که با خودش گفت:
اولاً در جریان سید رشتی امام زمان علیه السلام سه بار به او فرمودند: چرا عاشورا
نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا، این سه بار تکرار کردن نشانه اهمیت
این مسئله است.

ثانیاً امام زمان علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه می فرمایند: لَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحاً وَ
مَسَاءً وَ لَأُبَكِّينَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا؛ هر صبح و شام بر تو گریه و شیون
می کنم و در مصیبت تو به جای اشک، خون می گیریم.

ثالثاً هنگام ظهور، امام زمان علیه السلام به دیوار کعبه تکیه می زند و یکی از سخنانشان
این است: أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا؛ ای اهل عالم
بدانید جدم حسین علیه السلام را با لب تشنه به شهادت رساندند. در دعای ندبه هم
یادم هست که آمده: أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ؛ طلب کننده خون امام
حسین علیه السلام کجاست؟

به هر حال این ارتباط شدید امام مهدی علیه السلام با امام حسین علیه السلام می تواند راهی
را برایم باز کند و مرا به خواسته ام برساند.

سید باقر خیلی خوشحال بود و احساس می کرد کشف بزرگی کرده و باید
در قلب خودش نگه دارد و پیش کسی فاش نکند. در حالی که دستش را به
کمرش گذاشته بود، با خودش گفت: فقط باید همت کنم این چهل هفته را
پشت سر هم، به مساجد شهر بروم.

هفته ها یکی پس از دیگری سپری می شد و سید باقر هر جمعه، میهمان
مسجدی می شد و با حال توجّه شروع به خواندن زیارت عاشورا می کرد،
آن هم با چه سوزی، هرچه جمعه ها به جمعه چهلم نزدیک می شد، حال

سید باقر هم بهتر می شد و احساس نورانیت خاصی در وجودش می کرد. از مفاهیم زیارت عاشورا هم خیلی بیشتر از قبل، مطلب به دست آورده بود. یکی این که در زیارت عاشورا دو مرتبه برای خونخواهی امام حسین (علیه السلام) در رکاب حضرت مهدی (علیه السلام) دعا می کنیم:

یکی آن جا که می فرماید: **أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ**؛ خداوند خون خواهی تو را همراه پیشوای یاری شده از اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله)، روزی من کند.

دوم آن جا که می فرماید: **وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرِنَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ**؛ خداوند به من روزی نماید که در رکاب امامی هدایت کننده (که به سوی حق هدایت می کند) و حق را ظاهر می کند و کلام و سخن او حق است، از شما به خونخواهی برخیزم.



هر چه شناخت او از مفاهیم زیارت عاشورا بیشتر می‌شد، سوز و اشک او هم به مراتب زیادتر می‌شد تا به جمعه سی و هشتم رسید. به طرف مسجدی که از قبل مشخص کرده بود، رفت. طاقتش تمام شده بود و دیگر توان تحمل این دو هفته را نداشت. با این وجود، حال خوشی پیدا کرده بود. اوّل دعای سلامتی امام زمان علیه السلام را خواند، بعد هم شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد. آخرهای زیارت عاشورا بود که یک دفعه نفس در سینه اش حبس شد، چشمانش از روی مفاتیح، به نور عجیبی که در بیرون مسجد و از پنجره دیده می‌شد، افتاد. خدای من این دیگر چه نوری است؟! **لَلّهُ أَكْبَرُ!!**

سریع از جایش بلند شد. مفاتیح را بوسید و در قفسه مخصوص گذاشت. کفش هایش را پوشید و به سمت نور حرکت کرد. نور از یکی از خانه‌های کنار مسجد به طرف آسمان ساطع می‌شد. با عجله خودش را به آن خانه رساند. از در و دیوار خانه معلوم بود، خانه محقر و فقیر نشینی است.

در را به صدا درآورد، آقای در را باز کرد. بدون هیچ کلامی سید باقر به سمت نوری که از اتاقی در گوشه حیاط بلند شده بود، رفت. حال خودش را نمی‌فهمید، قطرات اشک، بدون اختیار روی گونه اش می‌غلطید. وارد اتاق شد. صحنه عجیبی دید، خانمی از دنیا رفته و پارچه سفیدی رویش کشیده بودند. سید بزرگوار و خوش سیمایی هم کنار جنازه‌ی او به آرامی نشسته بودند.

بی اختیار به آن سید سلام کرد، سید با مهربانی جواب سلام سید باقر را داد و فرمود: چرا این گونه به دنبال من می‌گردی و این رنج‌ها را تحمل می‌کنی؟! بعد هم اشاره به جنازه کرده و فرمودند: مثل این خانم باشید تا من، به سراغ

شما بیایم. این بانویی بود که در دوره بی حجابی (رضاخان) هفت سال از خانه بیرون نیامد تا مبادا مأموران، چادر از سر او بکشند...

سید باقر در حالی که مشغول آب دادن به گل‌های باغچه بود، به سخنان حضرت هم فکر می‌کرد و با خودش می‌گفت: درست است که امام زمان علیه السلام زیارت عاشورا را خیلی دوست دارند اما ایشان از من دینداری را خواستند مثل آن خانم که در زمان کشف حجاب توسط رضاخان، برای این که سربازان رضاخان، چادر از سرش برندارند، هفت سال از خانه بیرون نیامد، خوشا به حال این زن که هنگام مرگ، امام زمان علیه السلام به بالینش آمد، خوشا به حالش^۱.

۱- تشریف آیت الله سید محمد باقر مجتهد سیستانی، کتاب عنایات امام مهدی علیه السلام به علما و طلاب، صص ۳۶۱-۳۷۰



حاضر

کسی که امام زمان علیه السلام را حَی و حاضر و خود را در محضر ایشان می‌داند، به راحتی گناه نمی‌کند. مشکل ما این است که به این دانسته‌ی خود (حاضر بودن امام) یقین نداریم. گاهی علم به وجودِ دوربین در یک مکان برای ما بازدارندگی دارد اما متأسفانه این دقت را در مورد امام زمان علیه السلام و خدا نداریم.

قشنگ‌ترین لحظه

برای این که بتوانی، خدا را با چشم دل ببینی، غیر خدا را، با چشم سر، کمتر نگاه کن!!
آن هنگام که بین نامحرم‌ها چشم هایت را پایین می‌اندازی به عشق دیدن چشمان زیبای امامت، بدان امام علیه السلام آن لحظه تو را می‌بیند و از دیدن تو لذت می‌برد و برایت دعا می‌کند.

گناه

اولین و مهم‌ترین چیزی که مارا از امام زمان علیه السلام دور می‌کند گناه ماست! و مهم‌ترین چیزی که فرج حضرت را به جلو می‌اندازد ترک گناه است.
مشکل خودِ ما هستیم...

ادعا

درآینده در کتاب‌های تاریخ از ما خواهند نوشت و از ما روایت خواهند

کرد که: یک جمعیت خیلی زیادی بودند که خودشان را سینه زن و نوکر امام حسین (علیه السلام) می دانستند. کلی بچه حزب اللهی، بچه هیئتی و بچه مذهبی داشتند.. دارای حوزه های علمیه زیادی بودند... اما حتی ۳۱۳ نفر از آن ها واقعی نبودند که امام زمانشان ظهور کنند... همه فقط مدعی بودند که خوب هستند!!

غفلت

روزی یکی از نیروهای شیطان به او گفت: فرمانده! چرا این قدر خوشحالی؟ مگر گمراه کردن این ها چه فایده ای دارد؟ شیطان جواب داد: این ها را که غافل کنیم، امامشان دیرتر می آید! دوباره پرسید: آیا موفق بوده ایم؟ شیطان خنده ای کرد و گفت: مگر صدای گریه ای امامشان را نمی شنوی!! ای وای برماشیعیان! با امامان چه کردیم!! امام من! آقای من! شرمنده ایم!!

هشدار

نمی دانم چرا: وقت نداریم، نماز بخونیم! وقت نداریم، قرآن بخونیم! وقت نداریم، با خدا حرف بزنی! وقت نداریم، با امام زمان (علیه السلام) حرف بزنی! اما ۲۴ ساعت گوشه دستان است! حقیقتا به خودمان بیایم!!

پاسخ

اگر برای دوستتان پیامی بفرستی و او آن پیام را سین کند ولی یک ساعت بعد جواب بدهد ناراحت می‌شوید...؟! اما تو صدای اذان را می‌شنوی و چند ساعت بعد نماز می‌خوانی! آن وقت انتظار داری خدا ناراحت نشود؟!

تأخیر

یک جمله را در گوشه‌ی ذهنمان قاب کرده و هر از گاهی به آن نگاهی بیندازیم: تک تک گناهان ما، باعث تأخیر در ظهور امام‌زمان ع می‌شود و آن را به عقب می‌اندازد...

حیا

به گونه‌ای لباس بپوشیم که وقتی امام‌زمان ع از کنارمان عبور کردند، مجبور نشوند، چشمانشان را ببندند!!



برگزاری همایش مهدی یاوران بمناسبت آغاز امامت حضرت ولی عصر علیه السلام و هفته وحدت همراه با سخنرانی، قرائت میثاق نامه، مولودی خوانی، اجرای سرود و مسابقه مهدیه بزرگ شیراز





برگزاری سه شنبه‌های مهدوی در اداره کل آموزش و پرورش استان فارس با سخنرانی
استاد حاج شیخ علی رضا حدائق
بنیاد و مؤسسه فرهنگی حضرت مهدی موعود عج فارس





برگزاری سه شنبه مهدوی و جشن میلاد رسول گرامی اسلام ﷺ و امام صادق علیه السلام در
مسجد حجت ابن الحسن المهدی - مهدی آباد





برگزاری جشن بزرگ آغاز امامت و ولایت حضرت مهدی موعود(عج) همراه با سخنرانی،
مولودی خوانی، پذیرایی و اطعام مهدوی مهدیه صاحب الزمان
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود شعبه شهرستان فسا





برگزاری جشن نهم ربیع الاول با حضور پرشور مردم
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج شعبه میمند





برگزاری مراسم جشن عید بیعت به مناسبت سالروز آغاز امامت حضرت ولی عصر
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود شعبه گراش





برگزاری جشن باشکوه آغاز امامت حضرت حجة ابن الحسن حضرت مهدی علیه السلام
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام شعبه میانشهر





برگزاری مراسم باشکوه آغاز امامت حضرت ولی عصر علیه السلام با سخنرانی امام جمعه محترم
شهرستان فراشبند در زینبیه خواهران
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام شعبه فراشبند





برگزاری جشن آغاز امامت حضرت مهدی موعود عج همراه با مولودی خوانی،
سخنرانی، پرده خوانی، مسابقات جذاب، ایستگاه های بازی و فرهنگی
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج شعبه بانات

